

بررسی جامعه‌شناختی سبک زندگی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی (نمونه مورد مطالعه: زنان شهر قزوین)

بیدا میرحسینی^۱، حسین آقاجانی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

چکیده

این مقاله با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر قزوین در سال ۱۳۹۶ با حجم نمونه ۳۸۲ نفر و با بهره از روش میدانی، تکنیک پیمایش با استفاده از شیوه نمونه‌گیری احتمالی و بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته صورت پذیرفته است. دیدگاه‌های نظری پانام و بوردیو جهت سرمایه اجتماعی و گیدنز و بوردیو جهت سبک زندگی و بوردیو جهت چارچوب کلی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه با نرم افزار spss استخراج گردیده است و از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام بهره گرفته است. سرمایه اجتماعی از طریق مولفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی سنجیده شده و میزان کل سرمایه اجتماعی زنان پایین ارزیابی و سبک زندگی از طریق مولفه‌های مدیریت بدن، دینداری با دو بعد مناسکی و اعتقادی، اوقات فراغت، باورهای سنتی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت سنجیده شده و سه سبک زندگی سنتی، مدرن و

بنابین در بین زنان مورد مطالعه دیده شده که بیشترین میزان را سبک زندگی مدرن داشته، در ضمن متغیرهای مستقل توانسته اند تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، طبقه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی.

مقدمه و بیان مساله

بی گمان سنگ بنای شکل‌گیری هر جامعه‌ای بر روابط متقابل اجتماعی انسان‌ها است و همچنان که جامعه به سمت پیچیدگی روابط پیش می‌رود، نقش برخی گروه‌ها و اقشار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. زنان به عنوان یکی از اعضا و بعنوان کنشگر اجتماعی فعال، امروزه نقشی اساسی در رشد و اعتلای جامعه بعهدہ دارند، بالا رفتن سطح تحصیلات، افزایش نرخ حضور در فعالیت‌های رسمی و غیر رسمی؛ تغییر الگوهای ازدواج و فرزندآوری، امکان دسترسی به فناوری‌های روز دنیا و به تبع آن آشنا شدن با عناصر جدید زندگی و حتی ناهمگون با شیوه معمول زندگی، تغییر سن و الگوهای ازدواج و سبک‌های تعامل با جنس مخالف، همه و همه موجب گردیده اند که تغییرات اساسی در سبک زندگی آن‌ها شکل گیرد. زن امروزین چه بعنوان یکی از اعضای خانواده و چه بعنوان یکی از اعضای جامعه؛ به دلیل داشتن نقش‌های اجتماعی مختلف در پایگاه‌های اجتماعی متفاوت، سبک‌های زندگی خاص و ویژه را در تجربه زیسته خود دارا است که مطالعه و بررسی این سبک‌های مختلف زندگی، موجب شکل گرفتن دیدگاه‌های روشن و علمی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی می‌گردد و بنا به همین دلیل نظریه پردازان حوزه جامعه‌شناسی سبک زندگی و گستره آن را از زوایای مختلف مورد تدقیق و بررسی قرار داده اند، زیمبل یکی از جامعه‌شناسانی است که در این خصوص بحث یکتایی و صورت‌های رفتاری را مطرح می‌نماید، "سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی و شناساندن آن به دیگران، به عبارت دیگر انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، شکل (صورت)‌های رفتاری را برمی‌گزیند. زیمبل توان چنین‌گزینشی را سلیقه و این اشکال به هم مرتبط را سبک زندگی می‌نامد. او در جای دیگر معتقد است سبک زندگی، عینیت بخشیدن به ذهنیات در قالب

اشکال شناخته شده اجتماعی است. نوعی فردیت برتر و یکتایی در قالبی که دیگری این یکتایی را درک کند" (مهدوی کنی، ۲۰۵، ۱۳۸۶). وبر نیز در بحث طبقات منزلتی؛ اشاره به سبک زندگی می‌نماید، در واقع وبر این تعریف را برای سبک زندگی ارائه می‌نماید: "شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است" (سویل، ۱۹۸۱؛ به نقل از فاضلی، ۲۸، ۱۳۸۲). وبر در کل معتقد است که "سبک زندگی از جایگاه و موقعیت اجتماعی ناشی می‌شود و گروه‌های مختلف سبک‌های زندگی متفاوتی دارند و وجه تمایزشان در آن چیزی است که مصرف می‌کنند" (Frolich, 1999, 23). در واقع شاید بتوان گفت که واژه سبک زندگی از دید وبر؛ به سخن گفتن، اندیشیدن، نحوه لباس پوشیدن، شیوه‌های رفتاری گروه‌هایی که سعی در متمایز نمودن خود داشتند؛ اطلاق می‌گردد. گیدنز نیز بازاندیشی را در ارتباط با سبک زندگی مطرح می‌کند. او یکی از شاخصه‌های اصلی دنیای مدرن را بازاندیشی می‌داند یعنی که در دنیای مدرن، یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی مرتباً مورد سازماندهی مجدد قرار می‌گیرد و شما به طور مداوم شاهد پویایی و تحرک بی سابقه هستید و یکی از پیامدهای همین بازاندیشی، شکل گرفتن طیف وسیعی از سبک زندگی است و گزینه‌های پیش رو به دلیل تنوع و نو بودن؛ سبک‌های مختلفی را در عین برخی محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی شکل می‌دهد. در واقع او اشاره به شانس‌ها و فرصت‌ها می‌نماید. گیدنز در تلاش است که بیان نماید نوعی وحدت بر عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها در جریان زندگی روزمره سایه افکنده است که در واقع همان سبک زندگی است. بوردیو نیز از مفهوم سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این مفهوم بهره می‌برد. از دید او حجم و انواع این سرمایه‌ها؛ موجب شکل گرفتن طبقه می‌گردد و منش فرد در هر طبقه به یکدیگر کلید می‌خورند و همین منش و سلوک مشترک؛ موجب شکل گرفتن سبک‌های زندگی است و در واقع ذائقه مصرف در طبقات موجبات تمایز اجتماعی می‌گردد و افراد بنابر نوع و میزان سرمایه خود، در یک فضای اجتماعی تمایز خود را نشان می‌دهند و همین موجبات شکل گرفتن سبک‌های زندگی متفاوت می‌شود. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان بیان نمود که در واقع سبک زندگی انسان‌ها، اگرچه به نظر امری فردی می‌آید اما باید توجه نمود که در دنیای تحت سلطه امروز توسط رسانه‌ها؛ سبک زندگی

و شاخص‌های آن از ویژگی‌های تقریباً مشابهی در عین داشتن تنوع برخوردارند که ملهم از شرایط حاکم بر جامعه است و هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند بیشتر به دنیای پسااستی تعلق داشته باشد، سبک زندگی از ویژگی‌های متنوع تر و در عین حال سبک پذیر تر، برخوردار خواهد بود.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی منبعی بسیار ارزشمند جهت کنش اجتماعی بوده و در تسهیل ارتباطات اجتماعی و به خصوص بر سبک زندگی افراد جامعه نقشی اساسی را ایفا می‌نماید و آن را می‌توان به نحوی به قول کلمن نوعی کالای عمومی به شمار آورد (Colman, 1988: 104). چرا که به گروه و نهاد خاصی از جامعه تعلق ندارد و در عین حال نهادهای مختلف اجتماعی مانند دولت، شرکت‌ها، گروه‌های غیر دولتی و شهروندان از منافع آن بهره‌مند می‌شوند و هر فردی به میزانی از آن برخوردار است. از دید اریکسون سرمایه اجتماعی "نگرشی نو در مورد اثرگذاری فرآیندهای مهم بر تعاملات انسانی، همکاری و عملکرد جامعه برای ایجاد ارتقای سلامت در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند" (Erikson, 2010). "بررسی نظرات صاحب نظران حوزه سرمایه اجتماعی گویای آن است که این ایده اجتماعی که سرمایه اجتماعی، اکسیر و درمان بخش همه دردهای جامعه است، ایده مقبولی است و جامعه را سالم تر، دارا تر و شاید با تدبیرتر و شکیب‌تر می‌سازد و به نظر اونیکس و بالن سرمایه اجتماعی برای سلامتی افراد خانواده و اجتماعات حیاتی است" (Back, 2011: 79). شاید بتوان بیان نمود که دورکیم در بحث همیستگی اجتماعی "جامعه به تلنباری از اتم‌های پهلوی هم گذاشته تبدیل نمی‌شود، بلکه اعضا از طریق گسترش پیوندهای عمیق تر و بلند مدت با هم یگانه و متحد می‌شوند" (جان فیلد، ۲۶، ۱۳۸۸) به نحوی به اهمیت سرمایه اجتماعی اشاره می‌نماید، به نظر جان فیلد ایده اصلی سرمایه اجتماعی شبکه‌های اجتماعی هستند و شبکه‌های اجتماعی را پایه‌ای برای انسجام اجتماعی که افراد را قادر می‌سازد تا با هم و نه فقط با افرادی که به صورت مستقیم می‌شناسند، برای کسب منفعت متقابل همکاری کنند. کلمن^۱ سرمایه اجتماعی را به وسیله کارکردش مورد تعریف قرار داده است و از دید او هنگامی که روابط بین افراد، موجبات ساده و روانی کنش‌گردند؛ سرمایه اجتماعی شکل گرفته است. "سرمایه

اجتماعی هستی واحدی نیست بلکه از هستی‌های متعدد تشکیل شده است که دو ویژگی مشترک دارند که عبارت‌اند از این که اولاً جنبه‌ای از ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند و ثانیاً کنش‌های معینی را برای افراد در درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌کنند" (Colman, 1990, 302). از دید بوردیو "سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است" (Fild, 2003, 15). پاکسون نیز سرمایه اجتماعی را شامل دو بعد می‌داند؛ "روابط عینی میان افراد و پیوندهای ذهنی بین همان افراد از سوی دیگر" (Paxton, 2002: 256). این تعریف نیز در واقع تکیه‌اش هم بر روابط بین افراد است و هم این روابط را مبتنی بر اعتماد و البته مثبت بیان می‌نماید. در واقع می‌توان بیان نمود که سرمایه اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی، یک کاتالیزور و تسهیل‌کننده، در بهبود نقش عاملیت کنشگران اجتماعی موثر است و از طریق آن می‌توان به منافع و منابعی دسترسی پیدا نمود که به تنهایی این امکان وجود نخواهد داشت.

سبک زندگی‌های امروزی که تابعی از تحولات جامعه مدرن و عناصر مختلف آن از جمله جهان مجازی در دسترس همگان، سهولت ارتباطات جغرافیایی و فرهنگی، بسترهای مناسب و متنوع آموزش در زمینه‌های مختلف، امکان بهره‌مندی به برخی امکانات جامعه مدرن از قبیل آزادی بیان و عقیده و یا دسترسی به انواع رسانه و یا امکانات رفاهی همانند؛ مراکز خرید، مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، مراکز درمانی و بهداشتی همه و همه و از همه مهم‌تر مساعد تر شدن عرصه‌های حضور زنان در جامعه و گسترده شدن شبکه تعامل و روابط اجتماعی؛ از جمله مواردی هستند که خود به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر میزان سرمایه اجتماعی زنان تاثیرگذار هستند و نیازها، مطالبات و درخواست‌هایی نو پدید و یا دیر پا را پایه‌گذاری و یا زنده می‌نمایند که بی تردید در جامعه سنتی کمتر جلوه‌ای از آن‌ها را شاهد بوده ایم و سبک‌های زندگی متفاوتی را شاهد می‌باشیم و از دیگر سو نمی‌توان کتمان نمود که توده زنان از هر طبقه و قشری به طور عام در حاشیه مناسبات، تعاملات و امتیازهای اجتماعی و حتی حقوق شهروندی قرار دارند و با تمام تغییر نگرش‌هایی که در بین زنان نسبت به هویت خود، توانمندی‌ها و حضور بیشتر در اجتماع، بالا رفتن سطح اطلاعات علمی-فرهنگی و اجتماعی و

نیز باورداشت به لزوم نقش ارزنده در بهبود شرایط و گسترش مناسبات در زمینه‌های مختلف جامعه صورت گرفته اما هنوز بستر مناسب جهت رشد و حضور آنان در عرصه‌های مهم اجتماع مهیا نگردیده است و با توجه به این که بررسی میزان و نوع مشارکت و حضور آنان در عرصه‌های مختلف و نیز اعتماد آنان به بدنه رسمی و غیر رسمی جامعه که از طریق سنجش سرمایه اجتماعی قابل بررسی هستند و نیز بررسی سبک زندگی که می‌تواند داده‌های ارزشمندی در خصوص شرایط فرهنگی مستولی بر جامعه را بیان نماید و در عین حال با توجه به اهمیت این موضوع که وضعیت سازه‌های مهم اجتماعی مسیر آینده فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز رقم خواهند زد و بی شک در سیاستگذاری‌های اجتماعی می‌توان از آنان بهره برد و در تنظیم سناریوهای کلان فکری و رفتاری از آنان استفاده نمود؛ این پژوهش تنظیم گردیده است و از سوی دیگر انتخاب زنان به دلیل تاثیر ژرف آنان بر بدنه خانواده و اجتماع است، هدف اصلی این پژوهش مطالعه ارتباط بین سبک زندگی و سرمایه اجتماعی زنان شهر قزوین است و اهداف فرعی این پژوهش مشتمل است بر:

- مطالعه و بررسی سرمایه اجتماعی زنان شهر قزوین و مولفه‌های زیر مجموعه آن
- مطالعه و بررسی سبک زندگی زنان شهر قزوین و طبقه بندی انواع آن
- مطالعه و بررسی رابطه مولفه‌های سرمایه اجتماعی و سبک زندگی زنان شهر قزوین
- مطالعه و بررسی رابطه طبقه اجتماعی بر سبک زندگی زنان شهر قزوین.

مروری بر پیشینه تحقیق

نیازی، نوروزی و عسگری کویری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "فرا تحلیلی بر مطالعات سبک زندگی در ایران با تأکید بر مطالعه زنان و جوانان" به مطالعه پژوهش‌های این حیطه پرداخته‌اند. به نظر آنان مؤلفه‌های سازنده سبک زندگی در گستره میدان‌های متنوعی پراکنده‌اند. اما پژوهشگر ایرانی به نیت یافتن آنچه که در متن واقعیت‌های جامعه ایرانی و زندگی روزمره انسان ایرانی وجود دارد، به مؤلفه‌های تقلیل‌گرایانه‌ای چون اوقات فراغت، هنجارهای مصرف، الگوهای خرید و مدیریت بدن (اغلب نوع پوشش) پرداخته است. همچنین ضعف در انجام پژوهش‌های انگشت‌شمار کیفی و ترکیبی نسبت به پژوهش‌های کمی، تأکید

بر ابعاد خاصی از زندگی جوانان و زنان، خلأ کار جامعه‌شناسانه در حوزه سبک زندگی مردان به طور خاص از موارد برجسته در پژوهش‌های مورد مطالعه است. تبیین‌کنندگی بالای متغیر سرمایه فرهنگی نسبت به سایر متغیرهای اثرگذار بر سبک زندگی از موارد مشترک در اغلب پژوهش‌هایی است که به مطالعه سبک زندگی زنان و جوانان ایرانی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد پس از سرمایه فرهنگی به ترتیب متغیر تحصیلات و سرمایه اجتماعی تبیین‌کنندگی بالاتری را نسبت به سایر متغیرهای اثرگذار بر سبک زندگی زنان و جوانان نشان می‌دهند.

افراسیابی و مرادی فر (۱۳۹۴) نیز در تحقیقی تحت عنوان "بازسازی معنایی تغییر سبک زندگی زنان لر شهر یاسوج" به مطالعه فهم و تفسیر زنان لر شهر یاسوج از تغییر سبک زندگی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش نظریه‌گردد تئوری انجام شده است. داده‌های حاصل از مصاحبه، با روش کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شد. در مرحله کدگذاری باز ۳۹ مفهوم و در مرحله کدگذاری محوری ۸ مقوله به دست آمد. مقوله «دگردیسی سبک زندگی» به عنوان مقوله هسته‌ای ظهور یافت. نتایج بیان‌کننده آن است که زنان در دنیای جدید خود را به محدود ماندن در چهارچوب سنتی مورد انتظار مجبور نکرده و آخرین نوع و مدل تکنولوژی‌ها را می‌خواهند. ضمن توجه به زندگی و روش‌های سخت‌گذشته، در پی تجربه شکل‌های نوین خانواده هستند. آموزش مدرن، رسانه‌ها و شهرنشینی به عنوان شرایط علی تأثیرگذار بر پدیده دگردیسی سبک زندگی زنان بوده است، پیامدهای حاصل از این پدیده شامل دگرگونی ارزش‌های زنان، مدگرایی، مدیریت بدن، مصرف‌گرایی است.

تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای شغلی زنان عنوان پژوهشی است که قربانی و رفعت‌جاه (۱۳۹۰) به آن پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌ها، شانس ارتقا شغلی زنان دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، بیشتر از سایر زنان بوده و زنان مدیر عمدتاً از پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا و از خانواده‌هایی با ساختار دموکراتیک و مشارکتی برخوردارند؛ درحالی که زنان غیرمدیر در بیشتر موارد در خانواده‌هایی با ساختار تساهل‌گرا یا اقتدارگرا تربیت شده‌اند. همچنین میزان سرمایه اجتماعی (مشارکت، روابط و اعتماد اجتماعی) زنان دارای پست‌های مدیریتی، بیشتر از سایر زنان بوده و ترکیب و ساختار آن نیز با سایر زنان تفاوت دارد. روابط اجتماعی زنان در

مشاغل غیر مدیریتی غالباً به خویشان و همسایگان و افراد خودی ختم می شود، درحالی که روابط اجتماعی زنان دارای مناصب مدیریتی از افراد فامیل فراتر رفته و همکاران و دوستان را نیز دربرمی گیرد. در نتیجه آن‌ها را از اطلاعات و حمایت‌های متنوع و متعدد و امتیازات اجتماعی بیشتری برخوردار می سازد.

زکی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی سرمایه اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور اصفهان) به بررسی سرمایه اجتماعی دختران دانشجو، عوامل آن و هم چنین بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی زنان در حد کمتر از متوسط ارزیابی شده است. اگرچه بیشترین عوامل سرمایه اجتماعی زنان نمره بیش از متوسط دارد (به ترتیب سه عامل روابط اجتماعی با بستگان و دوستان، فعال بودن در متن و محتوای اجتماعی و مدارای فرهنگی) بقیه پنج عامل سرمایه اجتماعی (احساس اعتماد و امنیت، ارزشمندی زندگی، زمینه‌های کاری، روابط همسایگی و مشارکت در اجتماع محلی) در بردارنده نمره‌های میانگین کمتر از سه گزارش شده است. نتایج آزمون فرضیات تحقیق بیانگر این است که تفاوت معناداری در سرمایه اجتماعی زنان بر حسب پنج متغیر اجتماعی و آموزشی وضع تأهل، نوع رشته تحصیلی، سال تحصیلی آموزشی، گروه‌های سنی و هم چنین شهر محل اقامت و سکونت وجود ندارد و در سرمایه اجتماعی زنان نوعی همگونی (تجانس) اجتماعی مشاهده شده است. ریماز، مرادی و ابوالقاسمی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مولفه‌های سرمایه اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار به مواردی دست یافته اند که از مهمترین آن‌ها می توان به موارد ذیل اشاره نمود؛ متغیرهای درآمد و تحصیلات از جمله عناصر تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر تهران هستند و نیز تمام مولفه‌های سرمایه اجتماعی بجز مولفه توانمندسازی سیاسی، ارتباط معنی داری را نشان داده اند.

متیوس و تدمن^۱ (1964) در پژوهشی تحت عنوان نگرش نسبت به شغل و ازدواج و توسعه سبک زندگی در زنان جوان به بررسی عوامل تأثیرگذار بر سبک زندگی ۱۲۳۷ زن و دختر جوان در امریکا پرداخته اند. آنان به عنوان نتیجه عوامل تأثیرگذار بر سبک زندگی زنان جوان

موارد ذیل را بیان می‌نمایند: ۱. تصور زن از واکنش مرد به استفاده از هوش و توانمندی‌ها ۲. مبارزه با موقعیت احتمالی سلطه مردانه در مجل کار و محل زندگی زنان ۳. تعارض میان خانواده و تقاضای کار و جایگاه همسری و مادری ۴. موضوع مرتبط با پذیرش طرح کلی نقش‌های زنانگی ۴. معضلات زمان بندی دوست یابی و ازدواج. در واقع آنان مواردی را که بر تغییر و دگرگونی سبک زندگی زنان و دختران جوان در دوره جوانی موثر بوده است مورد ارزیابی قرار داده بوده اند.

هاکیم^۱ (2002) در مقاله‌ای تحت عنوان "سبک زندگی و تفاوت در انتخاب بازار کار زنان" به بررسی نوع حرف و مشاغل زنان با توجه به سبک زندگی آنان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد ترجیحات سبک زندگی تاثیر بسزایی بر انتخاب نوع شغل زنان دارد و تنوع در سبک زندگی در میان کارمندان زن در مشاغل خاص (پاره وقت و نیمه وقت) قابل ملاحظه است. در واقع سبک زندگی زنان عامل تاثیر گذار و مهمی در انتخاب نوع و رتبه شغلی نشان می‌دهد. بانک مونترال^۲ در تحقیقی که در سال ۱۹۹۲ انجام داده است تلاش نموده موانع پیشرفت زنان را در شغلشان و در بخش‌های خصوصی و دولتی مورد بررسی قرار دهد، نتایج نشان داده است که موانع در هر دو بخش وجود دارند که عبارت است از تلفیقی از پیشداوریها و ضرب المثل‌های گوناگون در منطق عامیانه که انتظار مردان را از زنان و انتظار زنان را از خودشان به شدت محدود می‌کند. در بانک مونترال ۹۱ درصد زنان در سمت‌های فرعی و فقط ۹ درصد آنان در پست‌های مدیریتی قرار داشتند. موانع مشاهده شده در تحقیق فوق عبارتند از 1- : اعتقادات عمومی افراطی و غلطی که در مورد زنان وجود دارد 2- زنان تشویق و انگیزش لازم برای شکوفایی استعدادشان و امکانات و حتی اطلاعات لازم برای شغلشان را دریافت نمی‌کنند و با وجود اینکه اغلب مردان معتقدند که زنان فرصت مساوی برای پیشرفت دارند اما حتی زنانی که به سمت‌های بالا دست یافته اند این عقیده را ندارند 3- زنان خود را در مقابل نقش‌های متنوعی می‌بینند که جامعه ایفای آنها را از آنان انتظار دارد و برای موفقیت در کار نیاز به کمک و یاری اطرافیان دارند اما کمکی دریافت نمی‌کنند، در نتیجه زمانی که وظایف

خارج از محیط کار و در مقابل خانواده و جامعه را محترم می‌شمارند یا میخواهند به تحصیل ادامه دهند، مجبور می‌شوند که کمتر متعهد باشند و در نتیجه امکان پیشرفت آنها محدود می‌شود.

براس^۱ در تحقیقی (۱۹۸۵) رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی و تفاوت‌های مشاهده شده بین زنان و مردان شاغل در سازمان و همچنین اثر عضویت در شبکه‌ها بر روی توان نفوذ کارکنان، بر سازمان را مورد بررسی قرار داد. او دو نوع شبکه غیررسمی جنسیتی مجزا را تشخیص داد و دریافت زنان به دلیل تبعیض جنسیتی، کمتر در مرکز شبکه‌های مردان قرار داشته و دسترسی کمتری به ائتلاف‌های اصلی مردان دارند. آنان به دلیل نداشتن دسترسی به گروه‌های مردانه مهم و ذی نفوذی که در سطوح بالای سازمان وجود دارد، مزیت‌های زیادی را از دست می‌دهند. گذشته از این، زنان در گروه‌های زنانه اثر کمتری بر سازمان دارند در مقایسه با زمانی که با مردان کار می‌کنند. به نظر او ملاقات‌های غیررسمی درون سازمان مزایای زیادی برای مردان دارد و زنان به دلایلی از شبکه‌های ارتباطی غیررسمی محرومند: نخست آن که، مدیران مرد اغلب از ارتباط با زنان احساس راحتی نمی‌کنند. در حقیقت مردان و زنان اغلب در کنار فردی از جنس مخالف اصلاً راحت نیستند. دوم، تازهوردها و زنان به عنوان گروه‌های خارجی مشکلات زیادی در دسترسی به شبکه‌های غیررسمی دارند و در نهایت نتیجه می‌گیرد که مردان، گروه مسلط در سازمانند و با محروم ماندن زنان از ارتباطات غیررسمی که گاه عمداً ایجاد می‌شود تسلط آنها تداوم می‌یابد. به دلیل این محرومیت، زنان از مزیت اطلاعات با ارزش، منابع و حمایتی که مردان از شبکه‌های غیررسمی سازمان به دست می‌آورند، برخوردار نیستند. از این رو با وجود تلاش‌هایی که برای برابری مردان و زنان در محیط کار صورت گرفته است، اکثریت زنان در موقعیت‌هایی پایین تر و با دسترسی کمتر به شبکه‌هایی که منجر به قدرت و پیشرفت می‌شود، متمرکز شده اند.

رز^۲ (۲۰۰۲) در روسیه در پژوهشی تحت عنوان "به چه میزان سرمایه اجتماعی به سلامت فردی می‌افزاید" به صورت پیمایش با هدف بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و سلامت فردی

1 Bros

2 Rose

نشان داده است که مشارکت افراد در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی و برخورداری از حمایت اجتماعی و اعتماد به طور معنی داری با سلامت عاطفی جامعه روسیه مرتبط بوده است و نیز بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی در سلامت روانی به میزان زیادی تاثیر گذارند.

مک کنزی و هارفام^۱ (۲۰۰۶) در کتابی با عنوان سرمایه اجتماعی و سلامت روان در سال ۲۰۰۶؛ علاوه بر محاسبه نحوه سنجش سرمایه اجتماعی در زمینه سلامت روان و ارائه مدل‌ها و چارچوب‌های مختلف در نحوه اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی؛ پژوهش‌های بین‌المللی در این خصوص را مورد بررسی قرار داده‌اند که در واقع همه آن‌ها اشاره به ارتباط این دو متغیر با هم داشته‌اند، از جمله تحقیقاتی که آنان اشاره می‌نمایند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود؛ در هلند ماریان دروکر، ایالات متحده آمریکا توسط کری آشر، آفریقای جنوبی و زامبیا لیز توماس، در انگلستان راب واتیلی.

هامانو^۲ و همکارانش (۲۰۰۹) در ژاپن به منظور شناخت مولفه‌های اجتماعی سلامت به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و سلامت روان پژوهشی را تحت عنوان "بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و استرس‌های روانی در بین سالمندان روستایی ژاپن" ۲۳۴ زن و ۱۴۱ مرد در سال ۲۰۰۹ پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که میزان استرس‌های روانی در بین گروه‌هایی که کمترین سرمایه اجتماعی را داشته‌اند؛ بیشتر بوده است و نیز این میزان در گروه‌هایی که از بالاترین سطح حمایت برخوردار بوده‌اند کمتر مشاهده گردیده است، در واقع سرمایه اجتماعی بعنوان سدی تاثیر گذار در مقابل فشارهای بیرونی عمل نموده و نه تنها دامنه تعاملات را گسترده می‌نماید در سلامت افراد از مهمترین مولفه‌ها است.

1 Harpham & Mackenzie

2 Hamano

نظریات مربوط به سبک زندگی

تورستاین وبلن

وبلن اگرچه به طور مستقیم از مفهوم سبک زندگی بهره نبرده است، اما با مطالعات خود درخصوص طبقه مرفه آمریکایی که آن‌ها را طبقه تن اسامی نامید؛ درواقع کمک بسیاری به شکل گرفتن چارچوب‌های نظری سبک زندگی نمود. او طبقه جدید مرفه قرن نوزدهمی آمریکا را به عنوان مقلدان طرز زندگی طبقات بالا می‌داند و حتی تا آنجا پیش می‌رود که گاهی سعی دارد از آن‌ها هم جلوتر رود و همین باعث بروز مسائلی برای آنان می‌گردد. شاید بتوان گفت که وبلن در پی این بود که نشان دهد که افراد چگونه و از چه شیوه‌هایی به دنبال کسب منزلت اجتماعی هستند و به دست آوردن آن می‌تواند از طریق ثروت و نمایش تظاهری آن صورت گیرد، افراد تلاش می‌نمایند که با استفاده از نوع پوشش، وسایل خاص تزئینی منزل، زیورات و... خود را به طبقه مرفه نزدیک و از دیگر طبقات متمایز نمایند و همین نکته، درواقع ارتباط وبلن با سبک زندگی است. درواقع وبلن می‌خواهد بیان نماید که فردیت که از طریقی اجتماعی در تک تک انسان‌ها شکل می‌گیرد و به صورت سبک زندگی در فرد فرد انسان‌ها بروز می‌کند.

ماکس وبر

"از نظر وبر سبک زندگی در سه مفهوم شیوه زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی کاربرد دارد که تدبیر زندگی بر انتخاب‌های افراد دلالت دارد اما بخت زندگی عبارت از احتمال تحقق یافتن انتخاب‌ها است" (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). در واقع می‌توان گفت که وبر علاوه بر پذیرش طبقه بر اسای تولید، مفهوم مصرف را نیز بر آن افزود. از دید او سبک‌های زندگی باعث تفاوت‌های بین افراد و گروه‌ها می‌گردند و به همین ترتیب مشروعیت بخشی به برتری طبقاتی و منزلتی را منجر می‌گردند و در واقع از طریق این تمایزات، طبقات برتر بعنوان گروه مرجع در نظر گرفته می‌شوند و محکمی می‌گردند جهت قضاوت اجتماعی، ارزیابی اخلاقی و الگوهای زندگی. وبر با طرح گروه‌های منزلتی از طریق سبک‌های زندگی در پی آن بوده است که نشان دهد که عوامل فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بعنوان متغیر مستقل باید در نظر گرفته شوند و نه وابسته. می‌توان بیان نمود که سبک زندگی از دیدگاه وبر شامل نوع

اندیشه ورزشی، رفتارها و نگرش‌ها و تمایلاتی که موجب تمایز گروه‌های منزلتی می‌گردد، نحوه و نوع انتخاب پوشش و حتی صحبت کردن می‌گردد و در واقع آن را امری فردی نمی‌شمارد و به آن بعنوان اقدامی جمعی نگاه می‌کند. "وبر تلاش می‌کند که پیوندی میان مفهوم سبک زندگی و چهارچوب تحلیلی پیچیده سه عنصری خود (رفتارها، تمایلات و منابع) پدید آورد. بر اساس این الگو در زندگی رفتارها، انتخاب‌ها را نشان می‌دهند، تمایلات این انتخاب‌ها را هدایت می‌کنند و منابع به عامل ساختاری فرصت‌های زندگی مربوط هستند؛ عاملی که بستر بروز یک رفتار را فراهم می‌آورد" (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۴۰).

بورديو

بورديو به تحلیل انتخاب‌های سبک زندگی به طور دقیق پرداخته است و آن را از این منظر مهم تلقی می‌نماید که تمایزات ساختاری و اجتماعی در دهه‌های اخیر مدرنیته از رهگذر صور فرهنگی طرح می‌گردند. او سبک زندگی را در زمره فعالیت‌های نظام مند تلقی می‌نماید و منشا آن را ذوق و قریحه افراد جامعه قلمداد می‌نماید و همین موجب شکل گرفتن تمایز بین اقشار می‌گردد. بورديو مفاهیم مختلفی را در راستای سبک زندگی مطرح کرده است که یکی از آن‌ها فضای اجتماعی است. در واقع او بیان می‌دارد که کنشگران اجتماعی با میزان‌های مختلف سرمایه در فضای اجتماعی حضور پیدا می‌کنند و همین امر موجب ایجاد تمایز و تشابه آن‌ها با دیگر افراد جامعه می‌گردد و گروه‌های منزلتی مختلف نیز شکل می‌گیرند، به هر میزان که سرمایه اجتماعی افراد بالا باشد در سلسله مراتب اجتماعی بالاتری قرار خواهند گرفت و افراد در این سلسله مراتب از ذائقه‌ها و سلیقه‌های مشابهی برخوردارند و همین موجب شکل‌گیری سبک زندگی‌های مختلف می‌گردد.

"در مجموع بورديو در تحلیل سبک زندگی به هفت مفهوم زمینه، سرمایه، منش، عمل، نماد، طبقه و قریحه اشاره کرده است. زمینه گسترده نوع خاصی از اعمال است. میدان، عرصه رقابت برای کسب پایگاه قدرت است" (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳) و هر کدام از این مفاهیم در تبیین سبک زندگی موثر و کاربردی هستند. از دید او سبک زندگی متأثر از ذائقه و ذائقه پیامد منش و منش نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است.

گیدنز

گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). در واقع او عنصری به نام قدرت انتخاب را مطرح می‌نماید که بوسیله عواملی محدود می‌گردند و دایره انتخاب فرد را حصارکسی می‌نمایند. او به بازاندیشی اشاره می‌نماید که تنها در دنیای مدرن امکان شکل گرفتن و رشد آن وجود دارد. از دید او فرهنگ‌های پیشامدرن امکان تنوع و تمایز را در خصوص موارد مختلف پذیرا نبوده است اما در دنیای مدرن ما شاهد سازمان دهی در همه امور می‌باشیم و همین وضعیت موجبات شکل‌گیری انواع سبک زندگی می‌گردد. گیدنز بیان می‌دارد که پویایی که مهمترین خصیصه جهان مدرن است موجب وسعت گزینه‌های انتخاب می‌گردد و افراد در کشاکش عاملیت و ساختار، شانس بیشتری به انتخاب دارند تا دنیای سنتی. در واقع او به بازتابندگی سبک زندگی و اعتقد بود. به این معنا که هر سبک زندگی در متن خود ضرورتاً معین نیست و از عدم قطعیت برخوردار است. "بازتابندگی اشاره‌ای است به این که معانی فعالیت‌های سبک زندگی اساساً با نیروهای وسیع‌تر تعیین نمی‌شود، بلکه طی فرآیند داد و ستد عملی زیست‌جهان‌های متمایز، معانی روش‌های استفاده از مواد و مصالح نمادین مصرف‌انبوه، مبدل به اشیا و اعمال ملموس می‌شوند که استعاره‌ای برای خودشان هستند و هم‌چنین بازتابندگی اشاره‌ای است به استفاده از اطلاعات مربوط به شرایط فعالیت به عنوان ابزاری برای تنظیم و تعریف مجدد و قاعده‌مند معنا و چستی رفتار" (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۶) به نقل از نیازی و نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۵۰).

در واقع گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای از کنش‌هایی می‌داند که افراد جامعه از آن‌ها بهره می‌برند و در واقع باعث هویت بخشی و تمایز می‌گردد و شاید بتوان گفت که از دید گیدنز سبک زندگی مجموعه‌ای است منسجم از عملکردها و رفتارهای یک فرد در فرایند زندگی و البته از نظر او دو عامل شانس و فرصت‌ها در این میان نقش مهمی دارند.

نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی

بورديو

بورديو از جمله نظریه پردازانی است که به طور دقیق و مجزا به مفهوم سرمایه پرداخته است. در واقع او سرمایه را تولید کار انباشته شده می‌داند و حتی تبدلات غیر مادی را همچون عشق یا ازدواج و امثال آن‌ها را سودانگاران محسوب می‌کرد. "از نظر بورديو سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط و دیعه‌ای طبیعی یا اجتماعی نیست، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر او سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا باز تولید آنگونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت قابل استفاده هستند" (شارع پور، ۱۳۸۴: ۱۱). در خصوص سرمایه اجتماعی او دیدگاه‌های ارزشمندی دارد و در واقع او میزان آن را به فعالیت و عاملیت کنشگران در گروه‌های مختلف از خانواده تا انجمن‌ها و حتی وسیع تر می‌داند. بر طبق نظریه بورديو (۱۹۸۴) سرمایه اجتماعی از دو بعد تشکیل شده است: ۱. شبکه‌ها، ارتباطات و روابط اجتماعی و ۲. جامعه پذیری. وی عنوان می‌کند که افراد نباید تنها به رابطه داشتن با دیگران اکتفا کرده، بلکه بایستی بدانند این شبکه‌ها چگونه عمل می‌کنند و از چه شیوه‌هایی می‌توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آن‌ها حداکثر استفاده را برد. از دید بورديو یکی از عوامل موثر بازتولید نابرابری سرمایه اجتماعی است. در واقع از طریق شبکه اتصالاتی که از طریق سرمایه اجتماعی فراهم می‌گردد و نیز چگالی و دوام این شبکه‌ها، روابط اجتماعی بازتولید می‌گردند و فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌نماید که حتی ممکن است موجب به کسب اعتماد یک گروه دیگر گردد و در کسب موقعیت‌ها و جایگاه‌های مهم اجتماعی متمرکز باشد. "بورديو با حفظ نگاه خود نسبت به عنوان محصول کار انباشت شده، تاکید می‌کند که اتصالات نیاز به کار دارند. تنها زمانی در داخل شبکه همبستگی به وجود می‌آید که عضویت باعث ایجاد سود مادی و نمادی شود. بنابر این حیات آن‌ها نیازمند "استراتژی سرمایه گذاری فردی یا جمعی با هدف تغییر شکل روابط عارضی از جمله روابط همسایگی یا فضای کار یا حتی خویشاوندی به روابط اجتماعی که به صورت مستقیم در کوتاه مدت یا دراز مدت

قابل استفاده اند؛ برای تضمین تاثیر گزار بودن آن‌ها در درازمدت، باید الزامات محسوس و پایداری در آن‌ها به وجود آید" (Bourdieu, 1986: 250).

پاتنام

پاتنام هم بعنوان یکی از نظریه پردازان مهم این حوزه می‌توان گفت که پس از انتشار مطالعه برجسته خود تحت عنوان بولینگ تنها، تبدیل به شناخته‌ترین چهره سرمایه اجتماعی گردید... نقطه نظر پاتنام در به کارگیری این استعاره این نبود که آمریکایی‌ها به تنهایی سفر می‌کنند یا در انزوا بازی می‌کنند بلکه این بود که تمایل کمی به بازی در تیم‌های رسمی در مقابل رقبای مشخص در لیگ‌های سازماندهی شده بولینگ دارند و بیشتر تمایل دارند تا با یک گروه خانوادگی یا دوستانه بازی کنند" (جان فیلد، ۱۳۸۸: ۵۴). در واقع پاتنام با استفاده از این بازی و شبکه‌ها و ارتباطات و همچنین هنجارهایی که در این بازی دیده می‌شود تلاش می‌نماید که نشان دهد سرمایه اجتماعی آمریکایی‌ها به میزان زیادی کاهش یافته است. او تلاش کرده است بحث سرمایه اجتماعی را به میان عامه بیاورد و به نوعی یک دغدغه جمعی را گوشزد نماید و نشان دهد که اعتماد و تعامل و بده بستان و همکاری‌های دو جانبه و حس مشارکت در میان آمریکایی‌ها نزول قابل توجهی داشته است. او بیان نمود که شبکه‌های اجتماعی روح حاکم بر سرمایه اجتماعی است و کارایی افراد و گروه‌ها را تماس‌ها و شبکه‌های اجتماعی موجب می‌شوند. "منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که شرکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند" (Putnam, 1996: 56). در واقع پوتنام سه عنصر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد را به عنوان سه عنصر اساسی سرمایه اجتماعی عنوان می‌کند و در ضمن دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم متمایز می‌نماید که یکی باعث حفظ همگنی می‌شود و دیگری موجبات گردهم آمدن افراد مختلف می‌گردد، سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده یا جامع (Bridging) و سرمایه اجتماعی درون گروهی یا انحصاری (Bonding). اولی موجبات همگنی را فراهم می‌نماید و هویت‌های انحصاری را تقویت می‌نماید و دیگری افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گردهم می‌آورد.

پاتنام بیان می‌دارد که "همانطور که یک آچار (سرمایه فیزیکی) یا تحصیل در کالج (سرمایه انسانی) می‌تواند بهره‌وری (فردی و جمعی) را افزایش دهد، تماس‌های اجتماعی نیز بر بهره‌وری افراد و گروه‌ها تاثیر می‌گذارند. در حالیکه سرمایه فیزیکی به ویژگی افراد اشاره دارد، سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد-شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای بده بستان و قابل اعتماد بودن که از آن‌ها ناشی می‌شوند، اشاره دارد" (Putnam, 2000: 18-19).

فوکویاما

به اعتقاد فوکویاما سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح مشارکت و انسجام اعضای آن جامعه گردیده و موجب کاهش سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (موسوی و علی پور، ۱۳۹۰: ۷۲). او منشأ سرمایه اجتماعی را در هنجارهای نهادی شده، هنجارهای برون زاد که در این نوع هنجار فرهنگ و دین حرف اول را می‌زنند و البته بسترهای یکسان و یا بهتر است بیان شود تجربه تاریخی مشابه نیز بسیار مهم است و هنجارهای خودجوش می‌داند. از نظر او یکی از اجزای مهم جامعه مدنی سرمایه اجتماعی است و در ایجاد آن نهادهای جامعه مدنی نقش اساسی دارند از نظر وی "توانایی مردم برای کار کردن با یکدیگر به منظور پیگیری اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها می‌تواند تعریفی درست برای سرمایه اجتماعی باشد" (Fukuyama, 1995: 10). او با نظر کلمن در ارتباط با کالای عمومی بودن سرمایه اجتماعی مخالف است زیرا که معتقد است که در عمل افراد آن را به عنوان کالایی خصوصی ایجاد می‌کنند و البته در کتاب پایان نظم در صفحه ۱۱۰ آن را کالایی جمعی می‌داند که باید سازمان دولتی و یا عامل غیر دولتی از قبیل کلیسا و نهادهای مردم مدار آن را عرضه نمایند.

"فوکویاما از نقش دین به عنوان منبع سرمایه اجتماعی یاد می‌کند. به نظر او همه اشکال دین از نظر گاه سرمایه اجتماعی، مثبت و در مواردی فرقه‌گرایی، عدم رواداری، نفرت و خشونت را در دامن خود می‌پروراند. فوکویاما بحث سرمایه اجتماعی را در مقیاس نهادی و کلان واحد ملت-دولت دنبال می‌کند و پیوند بین سرمایه اجتماعی با جامعه مدنی، دموکراسی و توسعه سیاسی و اجتماعی را از مسیر شاخص اعتماد اجتماعی مورد تاکید قرار داده است" (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۱).

کلمن

تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی توسط کلمن صورت گرفته است از جمله این که او به هستی‌های متنوعی در مورد سرمایه اجتماعی معتقد بود و البته دو عنصر را مشترک می‌شمرد؛ یکی تسهیل‌گری آن در ساختارهای اجتماعی و دیگری جنبه‌ای مهم از ساختار بودن است و البته کنشگران را در ساختار هم از جنبه حقیقی و هم حقوقی مورد نظر قرار می‌دهد (Colman, 1994: 302). کلمن سرمایه اجتماعی را کالایی عمومی می‌پندارد و آن را برای افرادی که عضو ساختار هستند مفید می‌داند و این بدین معنی است که از سرمایه اجتماعی نه تنها بوجود آورندگان آن بهره می‌برند بلکه تمامی افراد جامعه نیز منتفع می‌گردند و بر اساس همین نگرش، سه ویژگی برای سرمایه اجتماعی بیان می‌نماید "یکی از ویژگی‌ها، انتقال ناپذیری عملی آن است؛ این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد، ولی به آسانی مبادله نمی‌شود، اقتضای صفت کیفی ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار گرفته این است که سرمایه اجتماعی دارای شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست، ویژگی دیگر سرمایه اجتماعی که آن را از کالای خصوصی متمایز می‌سازد این است که برخلاف سرمایه فیزیکی که معمولاً کالایی خصوصی است و بر اساس حقوق مالکیت به شخصی که در سرمایه فیزیکی سرمایه گذاری می‌کند تعلق دارد و به او سود می‌رساند، در مالکیت فرد نیست و سودآوری مستقیم ندارد" (موسوی و علی پور، ۱۳۹۰: ۵۷). در واقع "به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی از طریق محاسبه عقلانی کنشگران برای سرمایه گذاری در آن شکل نمی‌گیرد بلکه محصول جانبی فعالیت‌های درگیر با سایر مقاصد است" (فیلد، ۱۳۸۸: ۴۶). در واقع تلاش کلمن در راستای تمایز سرمایه اجتماعی از فیزیکی و انسانی است. او همچنین معتقد است که سرمایه اجتماعی به واسطه محاسبه عقلانی کنشگران شکل نمی‌گیرد و بلکه به عنوان نتیجه کنشگری‌ها در زمینه‌های دیگر، در نظر می‌گیرد. از دید کلمن مشارکت، روابط دو سویه و توسعه اجتماعی از سرمایه اجتماعی نشات می‌گیرند. او تعهدات و انتظارات، هنجارها، ظرفیت بالقوه و ایدئولوژی را سبب سازشکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی می‌داند.

چارچوب نظری

در این پژوهش با دو سازه کلان روبرو می‌باشیم که بهترین کار این است که قبل از بیان چارچوب نظری و ارتباط بین دو متغیر؛ ابتدا نظریات مورد استفاده جهت هر کدام از سازه‌ها بیان گردند و پس از آن نظریه‌هایی که بعنوان چارچوب اصلی کار استفاده گردیده‌اند، بیان گردد. در خصوص مولفه‌های سرمایه اجتماعی به دیدگاه پاتنام و نیز بورديو متوسل گردیده شده است. از دید پاتنام سرمایه اجتماعی " آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند" (Putnam, 1992: 56). او اعتماد را یکی از مولفه‌های اصلی تقویت همکاری بین انسان‌ها متصور می‌شود که کمک می‌کند رفتارها قابلیت پیش‌بینی بیشتری داشته باشند و روابط شفاف‌تر گردند، اگرچه او بیان می‌کند که " در جوامع بزرگ‌تر اعتماد جنبه غیر شخصی داشته و به عبارت دیگر از شکل مستقیم به شکل غیر مستقیم تغییر یافته و اعتماد به نهادهای مدنی برای تسهیل روابط به عنوان یک ضرورت محسوب می‌شود" (Putnam, 2000: 292). به قول پاتنام " منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند" (Putnam, 1996: 56). در واقع پوتنام سه عنصر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد را به عنوان سه عنصر اساسی سرمایه اجتماعی عنوان می‌کند. بورديو نیز سرمایه اجتماعی را سازوکاری می‌داند که از طریق روابط اجتماعی و پیوستگی اجتماعی امکان دسترسی به منابع را موجب می‌شود. " سرمایه‌ای از روابط اجتماعی که در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند. یعنی سرمایه شرافت و حرمت که غالباً اگر فرد بخواهد در موقعیت‌های مهم اجتماعی مراجعین را جذب کند، کاملاً ضروری بوده و ممکن است به صورت نوعی پول رایج ارائه شود از جمله در یک حرفه سیاسی (Bourdieu, 1977: 503)". از نظر بورديو سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط، ودیعه‌ای طبیعی یا اجتماعی نیست بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر او سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا باز تولید آنگونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت

قابل استفاده هستند." (شارع پور، ۱۳۸۴: ۱۱) در واقع از طریق شبکه اتصالاتی که از طریق سرمایه اجتماعی فراهم می‌گردد و نیز چگالی و دوام این شبکه‌ها، روابط اجتماعی بازتولید می‌گردند و فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌نماید که حتی ممکن است موجب به کسب اعتماد یک گروه دیگر گردد و در کسب موقعیت‌ها و جایگاه‌های مهم اجتماعی مثر ثمر باشد. با استفاده از دیدگاه هر دو نظریه پرداز؛ اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به عنوان مولفه‌های سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. در خصوص سبک زندگی نیز می‌توان بیان نمود که منسجم‌ترین نظریات در خصوص سبک زندگی، دیدگاه بورديو و گیدنز هستند. بورديو سبک زندگی را "فعالیتی نظام مند می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابر این برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی- پیوند بین‌گزینه‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تامین می‌کند" (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱) و با استفاده از نظر هر دو نظریه پرداز مقوله‌های مدیریت بدن، دینداری، ترجیحات اوقات فراغت و مصرف، باورهای سنتی و باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بنابر دیدگاه نظری بورديو کنشگران اجتماعی در میدان که همان فضای اجتماعی است و از طریق عادت‌واره‌ها و منش؛ موفق به کسب انواع سرمایه می‌گردند که در اینجا سرمایه مورد نظر با توجه به اهمیت چند بعدی، سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است و بر اساس میزان و نوع همین سرمایه‌ها، جایگاه خود را در فضای اجتماعی تعیین می‌نمایند و سبک زندگی خود را انتخاب می‌نمایند. در واقع با استفاده از دیدگاه بورديو می‌توان بیان نمود که دیگر تنها نابرابری‌های اقتصادی موجبات قرار گرفتن افراد در سلسله مراتب اجتماعی ناست و در کنار نابرابری‌های اقتصادی از طریق مالکیت انواع سرمایه؛ انواع نابرابری‌ها نیز همچون نابرابری اجتماعی، فرهنگی، زیستی و... شکل می‌گیرد و بنابر این می‌توان بیان نمود که سبک زندگی کنشگران و میزان برخورداري آنان از انواع سرمایه که در این پژوهش سرمایه اجتماعی مد نظر است، منجر به قرار گیری آنان در جایگاه‌های خاص اجتماعی می‌گردند و سبک زندگی‌های متفاوت را رقم می‌زند. در واقع به روشنی می‌توان بیان نمود که این دیدگاه بورديو بیانگر

ارتباط مستقیم سرمایه اجتماعی و سبک زندگی است. بنابر مباحث گفته شده فرضیات پژوهش شامل موارد زیر می‌گردند:

- بین سرمایه اجتماعی و انواع سبک زندگی زنان شهر قزوین رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی و انواع سبک زندگی زنان شهر قزوین رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و انواع سبک زندگی زنان شهر قزوین رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی و انواع سبک زندگی زنان شهر قزوین رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و انواع سبک زندگی زنان شهر قزوین رابطه معنی دار وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، پیمایشی و ابزار مورد استفاده پرسشنامه است. نوع پیمایش توصیفی - تبیینی و واحد سنجش و تحلیل فرد (در سطح خرد) بوده است. این تحقیق به لحاظ زمانی از نوع مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهنانگر است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله ساکن شهر قزوین از استان قزوین است که تعداد کل آنها بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰؛ ۱۱۳۲۴۷ نفر بوده است. محاسبه حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۸۲ نفر است.

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$$

$$n = \frac{113247(1.96)^2 0.05 * 0.05}{113247(0.05)^2 + (1.96)^2 0.05 * 0.05} = 382$$

در این تحقیق انتخاب نمونه با روش نمونه گیری احتمالی است که با تلفیق نمونه گیری خوشه‌ای نامتناسب و طبقه بندی متناسب صورت گرفته است. ابتدا از مناطق شهر قزوین ۶ منطقه که دو منطقه بالای شهر، دو منطقه مناطق متوسط نشین و نیز دو منطقه پایین شهر انتخاب گردیدند. پس از آن در هر منطقه سعی گردید ناحیه‌ای انتخاب گردد که کاملاً معرف طبقات

اجتماعی مورد نظر باشند و پس از بررسی های متعدد نواحی انتخاب گردیدند. مرحله بعدی مرحله انتخاب بلوک ها بوده است که به صورت تصادفی انتخاب گردیده اند.

جدول ۱: آمار جمعیتی مناطق مناطق انتخاب شده

وضعیت سکونت	منطقه	حوزه	جمعیت زنان ۲۰ تا ۵۵ ساله حوزه	بلوک های انتخابی	حجم نمونه انتخاب شده
مناطق پایین	۰۴	۰۶۵	۳۰۶	۰۰۲۰۰۳۰۰۶۰۰۱	۵۵
	۰۳	۰۶۰	۲۱۷	۰۰۸۰۰۲۰۰۹۰۰۷	۳۹
مناطق متوسط	۰۶	۰۰۳	۳۶۹	۰۱۳۰۰۴۰۰۳۰۰۱	۶۶
	۱۹	۰۸۰	۵۴۱	۰۰۹۰۱۵۰۲۷۰۲۹	۹۶
مناطق بالا	۰۸	۰۴۵	۳۲۸	۰۰۱-۰۰۵-۰۰۴-۰۰۲	۵۸
	۱۸	۰۶۱	۳۸۵	۰۰۲۰۰۱۰۰۳۰۰۷	۶۸
جمع	-	-	-	-	۴۰۰

در این تحقیق، جهت برآورد اعتبار پرسشنامه، از روش اعتبار محتوی (اعتبار صوری) استفاده شد. بدین صورت که پس از طرح پرسشنامه اولیه، سؤالات و گویه هایی که برای سنجش متغیرها ساخته شده بود بواسطه نظر کارشناسان و اساتید مورد تجدید نظر کلی قرار گرفت و پرسشنامه اولیه پس از حذف و اصلاح سؤالات و گویه ها، نهایی شده است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه باید گفت که در این مطالعه برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (پرسشنامه) مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کند به کار می رود. نتایج حاصل از سنجش ضریب پایایی پرسشنامه به ترتیب ذیل است:

جدول ۲: ضرایب پایایی مقیاس های تحقیق

مقیاس	آلفای کرونباخ	خُرده مقیاس	آلفای کرونباخ
سیک زندگی	۰.۷۰۶	میزان فعالیت های فراغتی	۰.۷۰۱
		مدیریت بدن	۰.۸۱۱
		دینداری	۰.۷۱۰

۰.۷۵۱	باورهای سنتی		
۰.۷۰۳	باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت		
۰.۷۲۱	اعتماد اجتماعی	۰.۷۴۰	سرمایه اجتماعی
۰.۷۳۸	انسجام اجتماعی		
۰.۷۸۴	مشارکت اجتماعی		

همانطور که در جدول بالا مشخص است میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای مفاهیم تحقیق بزرگتر از ۰.۷۰ هستند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مطلوب بین سؤالات و گویه‌ها برای سنجش مقیاس‌ها و خُرده‌مقیاس‌ها مورد نظر است و بدین ترتیب می‌توان گفت که ابزار تحقیق از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از همبستگی پیرسون و جهت پیش بینی متغیرها رگرسیون چندگانه گام به گام مورد استفاده قرار گرفته است که نرم افزار مورد استفاده spss بوده است.

یافته‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیات تحقیق از آزمون‌های پارامتری (همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام) استفاده شد، اما چون پیش فرض اجرای این آزمون‌ها، نرمال بودن توزیع نمرات و داده‌هاست، بنابراین ابتدا به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنف به بررسی نرمال بودن داده‌های متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

جدول ۳: بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنف

متغیر	z	سطح معنی‌داری
سرمایه اجتماعی	۰.۰۷۸	۰.۲۲۱
سبک زندگی	۰.۱۱۶	۰.۰۹۱

منطق تفسیر آزمون کولموگروف اسمیرنوف این است که اگر سطح معنی داری آن بیشتر از ۰.۰۵ باشد می توان نتیجه گرفت توزیع داده های مربوط به متغیرها، نرمال است. همانطور که در جدول فوق گزارش شده است، سطح معنی داری همه متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰.۰۵ است، پس می توان گفت که توزیع داده های مربوط به متغیرها نرمال است، از این رو به منظور بررسی فرضیات تحقیق از آزمون های پارامتریک استفاده شده است.

آزمون فرضیات

این پژوهش مشتمل بر یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی است که در این قسمت با آزمون های آماری مرتبط مورد بررسی قرار گرفته اند:

بین سرمایه اجتماعی و انواع سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول ۴: بررسی رابطه متغیر سرمایه اجتماعی و انواع سبک زندگی

سبک زندگی سنتی	سبک زندگی بینابین	سبک زندگی مدرن		
-298	.354(**)	.516(**)	همبستگی پیرسون	سرمایه اجتماعی
.000	.000	.000	Sig(2-tailed)	
382	382	382	تعداد	

با توجه به جدول شماره ۴ می توان عنوان نمود که فرضیه اصلی تحقیق مورد تایید قرار گرفته است. ضریب همبستگی پیرسون که بین سرمایه اجتماعی و انواع سبک زندگی محاسبه گردیده است، معناداری را در سطح 01 نشان می دهد و همچنین بر اساس جدول می توان بیان نمود که رابطه سرمایه اجتماعی با سبک زندگی مدرن و بینابین مثبت و با سبک زندگی سنتی منفی است و این به این معنا است که هر چه سرمایه اجتماعی افزایش می یابد میزان سبک زندگی مدرن و بینابین افزایش و میزان سبک زندگی سنتی کاهش می یابد و این امر را با اطمینان ۹۹ درصد می توان بیان نمود.

بین اعتماد اجتماعی و انواع سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول ۵: بررسی رابطه متغیر اعتماد اجتماعی و انواع سبک زندگی

سبک زندگی سنتی	سبک زندگی بینابین	سبک زندگی مدرن		
.413	.254	-.387	همبستگی پیرسون	اعتماد اجتماعی
.000	.000	.000	Sig(2-tailed)	
382	382	382	تعداد	

ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ای معنادار و مثبت و البته ضعیف را بین اعتماد اجتماعی و سبک زندگی سنتی و بینابین را بیانگر است. یعنی با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان عنوان نمود که هر چقدر اعتماد اجتماعی افزایش یابد، میزان سبک زندگی سنتی و بینابین نیز بیشتر خواهد گردید و در مقابل هر چقدر با افزایش اعتماد اجتماعی روبرو می‌باشیم سبک زندگی مدرن کاهش نشان داده است.

بین مشارکت اجتماعی و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول ۶: بررسی رابطه متغیر مشارکت اجتماعی و انواع سبک زندگی

سبک زندگی سنتی	سبک زندگی بینابین	سبک زندگی مدرن		
-.318	.415	.610	همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی
.000	.000	.000	Sig(2-tailed)	
382	382	382	تعداد	

بر اساس جدول شماره ۶ می‌توان بیان نمود که رابطه معنادار و مثبت بین مشارکت اجتماعی و سبک زندگی مدرن و بینابین وجود دارد. یعنی با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که هر چقدر میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد سبک زندگی مدرن و بعد از آن بینابین نیز بیشتر می‌گردند و سبک زندگی سنتی کاهش می‌یابد.

بین انسجام اجتماعی و انواع سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول ۷: بررسی رابطه متغیر انسجام اجتماعی و انواع سبک زندگی

سبک زندگی سنتی	سبک زندگی بینابین	سبک زندگی مدرن		
.485	.315	.554	همبستگی پیرسون	انسجام اجتماعی
.000	.000	.000	Sig(2-tailed)	
382	382	382	تعداد	

با توجه به جدول می توان بیان نمود که این فرضیه نیز مورد تایید قرار گرفته است. ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده نشان می دهد که معناداری رابطه در سطح 01 تایید گردیده و با افزایش میزان سرمایه اجتماعی به ترتیب سبک زندگی مدرن و سپس سنتی و در آخر بینابین افزایش خواهد یافت و رابطه هر سه سبک زندگی با سرمایه اجتماعی مثبت است. بین طبقه اجتماعی و انواع سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۸: بررسی رابطه طبقه اجتماعی و انواع سبک زندگی

سبک زندگی سنتی	سبک زندگی بینابین	سبک زندگی مدرن		
-.277	.394	.470	همبستگی پیرسون	طبقه اجتماعی
.000	.000	.000	Sig	
.360	.364	.378	همبستگی پیرسون	
.000	.000	.000	Sig	
.401	.390	-.317	همبستگی پیرسون	
.000	.000	.000	Sig	

بر اساس جدول بالا می توان بیان نمود که فرضیه مورد نظر تایید گردیده است. اعداد حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که به هر میزان که طبقه اجتماعی زنان بالاتر بوده است سبک زندگی آنان به سمت مدرن گرایش بیشتری داشته است و در واقع می توان عنوان نمود که رابطه میان متغیر طبقه اجتماعی بالا و سبک زندگی مدرن و بینابین مثبت و سبک زندگی سنتی منفی بوده است. طبقه اجتماعی پایین نیز با سبک زندگی مدرن رابطه ای منفی و با سبک زندگی بینابین و سنتی رابطه مثبت و معنی دار بوده است.

جدول شماره ۹: خلاصه مدل رگرسیونی به روش گام به گام بین متغیرهای مستقل و وابسته

	مقدار ثابت	B	BETA	T	SIG	R	R2	F	SIG
مشارکت اجتماعی	59.03	.13	.432	7.500	.000	.467	.129	54.16	.000
مشارکت اجتماعی	54.87	.015	.348	7.302	.000	.473	.143	37.14	.000
انسجام اجتماعی		.362	.189	4.165	.000				
مشارکت اجتماعی	50.11	.014	.344	6.362	.000	.480	.803	37.14	.000
انسجام اجتماعی		.365	.179	3.718	.000				
اعتماد اجتماعی		.590	.173	3.119	.006				
								27.09	.000

اطلاعات جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که متغیرهایی که بر اساس بیشترین تاثیر بر متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون گردیده اند، به ترتیب شامل مشارکت اجتماعی معادل 344 و انسجام اجتماعی معادل 179 و در آخر اعتماد اجتماعی معادل با 173 هستند. موردی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد میزان بالای عدد مشارکت اجتماعی است و در واقع بیانگر این است که نقش مشارکت اجتماعی در میزان تبیین کنندگی تغییرات متغیر وابسته بیشتر از مولفه‌های دیگر است و بعد از آن انسجام اجتماعی بالاترین نقش تبیین کنندگی را در تغییرات متغیر سبک زندگی ایفا نموده است. در واقع می‌توان عنوان نمود که ضرایب استاندارد بتا بیانگر این هستند که بیشترین تاثیر در بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته سبک زندگی، مشارکت اجتماعی بوده است و همچنین بر اساس جدول می‌توان بیان نمود که محاسبه ضریب همبستگی چندگانه نشان داده است که سه متغیری که بعنوان مستقل در نظر گرفته ایم 489 همبستگی با متغیر سبک زندگی دارا هستند.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر متغیر مستقل بر اساس چارچوب نظری با سه مولفه زیر مجموعه مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است و همانطور که مشاهده گردید ۴۳ درصد از بانوان میزان سرمایه اجتماعی کم، ۲۹.۸ درصد متوسط و ۲۷.۲ درصد زیاد داشته اند و در کل میزان سرمایه اجتماعی زنان شهر قزوین پایین بوده است و پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی نشان از پایین بودن چسب اجتماعی موجود در جامعه است، هر چقدر افراد جامعه حس یکپارچگی و انسجام بیشتری را با جامعه احساس نمایند و با عوامل مختلف انگیزه حضور در جامعه را دریافت دارند و نیز هر چقدر میزان پاکدستی مسئولین و شفاف بودن فرآیندها و روابط بین دست اندکاران کشوری و مردم بالاتر باشد؛ میزان سرمایه اجتماعی نیز در بین مردم افزایش خواهد یافت و بویژه قشر زنان نیازمند به اعتمادسازی‌های ویژه در خصوص ترمیم و تغییر و تدوین قوانین و چارچوب‌های حقوقی، مدنی و دینی و عرفی خاص خود هستند که متأسفانه در این خصوص کمتر شفافیتی و بازاندیشی صورت گرفته است. بعنوان نتیجه گیری کلی در خصوص سبک زندگی می‌توان بیان نمود که سه گونه از سبک زندگی با توجه به مولفه‌های سنجیده شده در این پژوهش مشاهده گردیده است؛ سبک زندگی مدرن در این پژوهش حداکثر نمره را به خود اختصاص داده است، در واقع در این سبک تمایل و گرایش بالایی به بهره‌مندی از مظاهر، ابزارها و عناصر نو و کنده شده از گذشته دیده می‌شود و افراد تمام تلاش خود را صرف انتخاب روش‌ها، تعاملات، قالب‌ها و الگوهای جدید که در اکثر مواقع بر گرفته از اندیشه و فضای فکری بومی ناست، می‌نمایند. سبک زندگی مدرن شامل زیر شاخص‌هایی هستند که می‌توان به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، دقت نظر بیشتر به بدن و هر آنچه که به زیبایی و سلامتی آن مربوط می‌شود، مطالعه کتاب و مجلات، استفاده از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، دامنه وسیع گذران اوقات فراغت با امکان انتخاب‌های مختلف، حضور مستمر در رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها، تغییر نگاه به دین و مولفه‌های دینی، عدم قبول و به چالش کشیدن باورهای سنتی اشاره نمود. در مقابل سبک زندگی سنتی معطوف بر عناصری است که وجه غالب آن در گذران اوقات فراغت همراهی با افراد خانواده و خویشاوندان و در حیطه انتخاب‌های محدود،

در اولویت نبودن بدن و عوامل تاثیر گزار بر زیبایی و تناسب آن، تمایل به موسیقی‌های سنتی و سبک‌های قدیمی، تاکید بر گسترش روابط خانوادگی و خویشاوندی. تاکید بر رفتارهای دینی و معنوی، فرمانبرداری محض زن از مرد و... است. اما در این میان داده‌ها حاکی از سبک زندگی نیمه سنتی و مدرن نیز است. که ترکیبی از دو سبک دیگر است و در واقع عناصری از سبک زندگی سنتی و عناصری از سبک زندگی مدرن را در بر دارد و جامعیتی را در رفتارها، نگرش‌ها و ترجیحات شاهد نخواهیم بود.

در خصوص ارتباط سازه سرمایه اجتماعی بعنوان متغیر مستقل و سازه سبک زندگی بعنوان متغیر وابسته می‌توان بیان نمود که بر اساس آزمون‌های آماری ارتباط این دو تایید گردید و می‌توان بر اساس نظریه بورديو که چارچوب نظری تحقیق را در بر داشته است بیان نمود که یکی از مولفه‌های اساسی تاثیر گذار بر سبک زندگی سرمایه اجتماعی است و به هر میزان که زنان از آن برخوردار بوده اند بر نوع سبک زندگی آنان تاثیر گذار بوده است. با نگاهی به جدول رگرسیون نیز می‌توان بیان نمود که در بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی، مولفه مشارکت اجتماعی تاثیر گذارترین مورد بر سبک زندگی بوده است و این نشان از اهمیت مشارکت درون گروهی و برون گروهی و بلوغی که بر اساس آن ایجاد می‌گردد، اشاره دارد و مولفه بعدی انسجام اجتماعی بوده است و نکته قابل تامل این که اعتماد اجتماعی کمترین تاثیر را بر نوع سبک زندگی ایفا نموده است. از نظر بورديو "سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط، ودیعه‌ای طبیعی یا اجتماعی نیست بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر او سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا باز تولید آنگونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت قابل استفاده هستند." (شارع پور، ۱۳۸۴: ۱۱) در واقع از طریق شبکه اتصالاتی که از طریق سرمایه اجتماعی فراهم می‌گردد و نیز چگالی و دوام این شبکه‌ها، روابط اجتماعی باز تولید می‌گردند و فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌نماید که موجبات ایجاد دامنه وسیع در انتخاب‌های سبک زندگی باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پایان نامه کارشناسی ارشد یوسف کریمی با عنوان "بررسی سرمایه اجتماعی و سبک زندگی" و نیز پژوهش رسول زاده و همکاران با عنوان "تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری" و

نیز تحقیق وطن دوست و درگاه زاده با عنوان "بررسی تاثیر سبک زندگی بر سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز" و نیز پژوهش سلیمی امان آبادی با عنوان "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی در جوانان شهر بجنورد" در یک راستای تایید یکدیگر هستند و به روشنی می‌توان بیان نمود که یکی از مهمترین مولفه‌های تاثیرگذار بر سبک زندگی، سرمایه اجتماعی است و در همین جا اهمیت پرداختن به سرمایه اجتماعی و افزایش آن در جامعه کنونی ایران، ضرورت خود را نمایان نموده است.

در واقع می‌توان بیان نمود که در فضای اجتماعی افراد هر یک با سرمایه‌های مختلف (نمادین، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) وارد می‌شوند که البته وزن و تاثیر هر کدام به طور جداگانه و نیز به صورت ترکیبی متفاوت و گسترده است و میزان برخورداری آن‌ها از هر نوع از سرمایه به دلیل سازگاری و هم‌گونی قریحه‌های مرتبط با موقعیت‌هایی که ساز و کار و مناسبات آن‌ها برایشان آشنا و ملموس است، ملزوماتی را فراهم می‌آورد که بعنوان سبک زندگی انتخاب می‌گردد. سبک زندگی و سرمایه اجتماعی به همراه طبقه اجتماعی و دیگر ویژگی‌ها؛ زمینه ساز تعاملات در فضای اجتماعی می‌گردند و به آن‌ها امکان بهره‌مندی از حقوقی تحت عنوان حقوق شهروندی را فراهم می‌آورد. حقوقی که به زعم مارشال هر انسانی بعنوان یک عضو جامعه باید از آن‌ها برخوردار باشد و محرومیت از آن‌ها به قول ترنر ایجاد احساس‌های ناخوشایند را ایجاد خواهد نمود.

دنیای نوپدید نوعی شیوه زیستن و تجربه کردن و درک و اندیشیدن است که از تحولات سهمگین دنیای صنعتی نشأت گرفته است که "مشخصاتش عبارت است از فروپاشی و اصلاح گری، پراکندگی و تحولات سریع، ناماندگاری و ناامنی و با ادراک‌های تازه‌ای از زمان و مکان، سرعت، تحرک، ارتباطات، سفر، دینامیسم، آشوب و دگرگونی فرهنگی" (چایلدز، ۲۵، ۱۳۸۲) همراه است.. شهر قزوین با داشتن پتانسیل‌های مادی و معنوی فراوانش، به تبع از شرایط کلی جاری و ساری بر کشور از مناسبات، زیر ساخت‌ها و قواعد مدنی خاص و ویژه‌ای برخوردار است، توقف و چالش بین مظاهر دنیای سنتی و مدرن و به تبع آن سردرگمی انسان‌هایی که به قول زیمل بلازه شده‌اند و در یک بلاتکلیفی اندیشه‌ای و عملی به سر می‌برند از مواردی مهم و اساسی است که باید به مظاهر مختلف آن پرداخت. در واقع می‌توان عنوان

نمود که در این شهر نیز به تبع حضور تغییرات مطرح شده، گروه‌های اجتماعی و هویت‌های زنانه نو پدیدگی شکل یافته است که، به اعتبار خودها و هویت‌های تازه‌ای که دریافت می‌نمایند، می‌توانند در سنخ‌های متفاوتی تقسیم بندی شوند، آنان درباره جهان اجتماعی به نحو دیگری می‌اندیشند، با معیارها و خط‌مشی‌های متفاوتی آن را ارزیابی می‌نمایند، خواست‌ها و آرزوهای دیگری دارند و در مجموع نوع خواسته‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌شان متنوع تر و گسترده تر است و شبکه روابطی و پیوندی آنان نیز از ویژگی‌های مختلفی برخوردار است و به قول گیدنز " در خصوص این که ما چگونه در باره خود فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم، انقلابی در جریان است. این انقلاب است که در مناطق و فرهنگ‌های مختلف با سرعت‌های مختلف و با مقاومت‌های بسیار در حال پیشرفت است " (گیدنز، ۱۹۹۹: ۱۲). در واقع باید عنوان کرد که انسان موجودی اجتماعی است و ناگزیر از زندگی جمعی و در همین زندگی در کنار دیگران فرآیندهایی را طی می‌نماید که او را آماده حضور در گروه‌های کوچک و بزرگ جامعه می‌نماید و در طی همین فرآیند اجتماعی شدن است که شناخت و مهارت‌های لازم و بیش‌پیدا می‌کند و همین او را در ایفای نقش‌ها و عملکردهای اجتماعی یاری می‌رساند. کنشگران اجتماعی می‌آموزند که چگونه و از چه شیوه‌هایی تعامل صحیح و چارچوب‌مند را با جامعه داشته باشند و در این راه تلاش می‌نمایند که از الگوها، هنجارها و قواعد آن پیروی نمایند و سرمایه‌های خود را از هر نوعی افزایش دهند. بنابر این به نظر می‌رسد که به کنشگران اجتماعی بعنوان سرمایه‌هایی نگرسته شود که سلامت، دوام و ماندگاری جامعه در گرو رشد و تعالی آن‌هاست، به هر میزان که نگاه طبقاتی در جامعه کاهش یابد و با تکثر روایت‌های روبرو گردیم با سبک‌های زندگی انتخاب‌گراانه روبرو خواهیم گردید که نوع آن از میزان سرمایه اجتماعی افراد نیز نشأت می‌گیرد. زنان بعنوان نیمی از پیکره جامعه نیازمند فراهم‌بودن زمینه‌های هم‌کنشی‌های اجتماعی هستند و این فراهم نخواهد گردید، مگر سرمایه اجتماعی آنان افزایش یابد و سه مولفه آن از مشارکت تا انسجام و اعتماد اجتماعی در سطح مطلوبی قرار گیرند که خود بر انتخاب ترجیحات ارزشی و هنجاری ترجیحات سبک زندگی تاثیرگذار هستند. شهر قزوین بعنوان شهری دانشگاهی و با داشتن پیشینه تاریخی وسیع و نیز نزدیکی به پایتخت و شاهراه مواصلاتی راه‌های اصلی کشور؛

نیازمند پویایی و سازندگی‌های مدنی است و این محقق نخواهد گردید مگر تمامی آحاد جامعه و بویژه زنان در تمامی صحنه‌های اجتماع حضور داشته و همراه با لایه‌های مختلف اجتماعی در فرآیندهای مدنیت مشارکت فعال داشته باشند.

منابع

- ۱- افراسیابی، حسین، مرادی فر، طاهره (۱۳۹۴). بازسازی معنایی تغییر سبک زندگی زنان در شهر یاسوج، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۹۸-۷۷.
- ۲- چایلدز، پیتر ۱۳۸۲، مدرنیسم، ترجمه رضا رضایی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مروارید.
- ۳- چایلدز، پیتر ۱۳۸۲، مدرنیسم، ترجمه رضا رضایی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مروارید.
- ۴- رحمت آبادی، الهام و حبیب آقا بخشی، سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، ۱۳۹۴، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، دوره ۵.
- ۵- رسول زاده اقدم، صمد و همکاران (۱۳۹۵). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره بیستم.
- ۶- رفعت جاه، مریم، قربانی، سمیه (۱۳۹۰). تاثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای شغلی زنان، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۱۷.
- ۷- ریماز، شهناز، مرادی، یوسف و ابوالقاسمی، جمیله (۱۳۹۴). بررسی مولفه‌های سرمایه اجتماعی سرمایه اجتماعی در زنان سرپرست خانوار با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۲، شماره ۱۳۵، صص ۱۴۸-۱۴۰.
- ۸- زکی، فواد (۱۳۹۴). بررسی سرمایه اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور اصفهان) فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده.
- ۹- سلیمی امان آبادی، محسن (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی در جوانان شهر بجنورد، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت حسابداری و علوم اجتماعی، رشت.

- ۱۰- شارعی‌پور، محمود (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی (ویژنه‌نامه سرمایه اجتماعی) دوره نهم، شماره ۲، صص: ۱۰-۱۶
- ۱۱- غفاری، غلامرضا، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، ۱۳۹۰، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- ۱۲- فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، ۱۳۸۲، ؟، قم، انتشارات صبح صادق.
- ۱۳- فیلد، جان، ۱۳۸۸، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضوانی، تهران، کویر، چاپ دوم.
- ۱۴- کردی، حسین و سکینه‌هادی زاده (۱۳۹۱). «بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل»، فصلنامه زن و جامعه، سال ۳، شماره ۴، صص ۴۱-۲۱.
- ۱۵- کریمی، یوسف (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۱۶- گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص، ۱۳۸۸، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ ششم، تهران، انتشارات نی.
- ۱۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) فراسوی چپ و راست، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، چاپ اول، انتشارات علمی.
- ۱۹- موسوی، م و ب علی پور (۱۳۹۱) "تاملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی"، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۰- مهدوی کنی، محمد سعید، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، شماره اول، ۱۳۸۶.
- ۲۱- نیازی، محسن و محمد کارکنان نصرآبادی، بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان، مجله برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز، شماره ۱۶، ۱۳۹۲.
- ۲۲- نیازی، محسن، نوروزی، میلاد و عسگری کویری، اسما (۱۳۹۴). فراتحلیلی بر مطالعات سبک زندگی در ایران با تاکید بر مطالعه زنان و جوانان، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۹۴، صص ۲۴۵-۲۰۷.

۲۴- وطن دوست، معصومه و درگاه زاده، کویچکک(.). بررسی تاثیر زندگی بر سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز، همایش علمی پژوهشی سبک زندگی اهل بیت، تهران.

- 25-Back, M. &Christensen, H. S. (n.d.).2011.Social trust and Political Participation – A multilevel analysis of Europeandemocracies.<https://www.abo.fi/sitebuilder/media/23741/socialtrustandpoliticalparticipation.pdf>.
- 26-Bourdieu, P. and Wacuant, L.(1977). Aninvitation to Reflexive Sociology, Chicago, University of Chicago Press.
- 27-Bourdieu, P. and Wauant, L. (1986). The Form of Capital. pp 241-58 in J. G. Richardson(ed). Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Greenwood Press, New York.
- 28-Coleman, James S. (1988), ‘Social Capital in the Creation of Human Capital’, American Journal of Sociology, Vol. 94, Supplement: Organizations and Institutions: Sociological and Economic Approaches to the Analysis of Social Structure.
- 29-Coleman, James. (1994). Foundations of Social Theory. Cambridge, Mass.: Harvard University Press
- 30-Frohlich, K. & L. Potvin (1999). “Collective Lifestyles as the Target for Health Promotion”. *Canadian Journal of Public Health*.
- 31-Fukuyama, F. (1995). Trust: the social values and the creation of prosperity. New York: The Free Press.
- 32-Giddins, A. (1999) Runaway World: How Globalization is Reshaping our lives, London, Profile Books.
- 33-Hakim, C. (2002). “Lifestyle Preferences as Determinants of Women’s Differentiated Labor Market Careers”. *Work and occupations*, Vol. 29 No.4, November, pp.428-459.
- 34-Paxton,Pamela. (2002). Social capital and democracy: an interdependent relationship. *American sociological review*, vol 67, 254- 277.
- 35-Putnam, R.D. (1996). Who Killed Civic American? *Prospect*, 4, 24, 66, 7-72.
- 36-Putnam, R.D. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*. Simon and Schuster, New York.
- 37-Rose, R. 2000,How much does social capital add to individual health? A survey study of Russians, *Journal of social science& medicine*, 51: pp 1421-1733.